

تصویر در اسلام

بقلم استاد سید محمد کاظم عصار

فصل اول

بعد الحمد والصلوة

۱ - تصویر یکی از فنون جمیل و صنایع مستظرفه بشمار است که مانند شعر و موسیقی در جمیع ملل موجود بوده و روزافزون در طریق تکمیل آن کوشیده‌اند و راه تکامل را بی‌موده‌است. این صنعت در جزیره العرب مابین اعراب قبل از اسلام بسیار کم و غیر محسوس است (بلی، صنم تراشی و بت سازی مابین اعراب معمول بوده است) و پس از ظهور نور اسلام و سيطرة مسلمانین بواسطه منع شارع اسلام و از بیم آنکه بعنوان صنم پرستی و ترویج شرك تلقی شود و روح بت پرستی در مغز اعراب باقی ماند از اکتساب این فن شریف خودداری شده است و از اینرو در میان اعراب و مردم جزیره العرب مصور و تصویری معروف نیست و از همین جهت از شمائل حضرت ختمی مرتبت و تصویر آن حضرت در زمان خود آنجناب چیزی یادگار نمانده. فقط در بعضی از کتب (۱) از دو تصویر از شمائل مبارک ذکر کرده است: یکی توسط رسولان کسری و دیگری توسط رهبانان شامات یا اطراف شامات. ولی در عین حال صفحه عربستان و مابین اعراب آن سامان مخصوصاً اطراف شامات عدای بوده اند که کاملاً از عهد این صنعت برآمده و از اساطین این فنون شمرده میشدند و غالباً نصاری جزیره العرب از این صنعت بهره‌ای داشته و این فن شریف را تعقیب کرده اند نظیر نصاری نجران و دیر نشینان و رهبانان، و بالاخره قبل از اسلام و پس از ظهور آن تصویر و نقاشی چندان رونقی نداشته و از اوان خلفای اموی ترویج این فن و رونق آن شروع میشود و در دوره خلفای عباسی و مخصوصاً پس از ورود هلاکو ب بغداد بواسطه ترکها و ایرانیها عمارات مزوق و پرده‌ها و فرش‌ها و ظروف تصویر دار و احجار منقور فراوان دیده میشود.

۲ - صنعت تصویر عبارت است از ایجاد شبیح هر چیز بوسیله ضوء یا ظل یا رنگ و اثبات آن شبیح را در سطح مستوی املس بر حسب عرف عام نقاشی یا شبیه سازی و مجسمه سازی گویند.

(۱) کتاب المستطرف فی کل فن مستظرف

شبح هر شیئی^۱ مثال یا نظیری است که در پنج صفت با آن چیز شریک است و در اصل حقیقت با او مختلف. اوصاف پنج گانه که در اصطلاح اهل تصویر و نقاشی مبادی آن صناعت نامیده میشود بقرار ذیل است:

الف - شکل و هیئت مخصوصی که از احاطه خطوط بطرز صناعتی یا طبیعی حاصل شود .

ب - حجم یا کمیت که نوعاً در مجسمات و تمثالها بکار میروند .

ج - نور یا ضوء و ظل که درجات و تعریجات و پستیها و بلندیها بوسیله آن نمودار میگردد .

د - لون و رنگ که اساساً باید مشابه با اصل بوده باشد ولی پیاره‌ای از جهات صناعتی یا بمنظور ایجاد زیبایی ممکن است رنگ شبح را تغییر داده از شباهت با اصل منحرف ساخت .

ه - هیکل یا بنیه که مقصود اصلی از آن تهیه زمینه تصویر بوده ولی بعدها برای نمایاندن و ظاهر ساختن حدود اطراف و اضلاع نقش بکار رفته است . مبادی مذکوره که فوقاً اشاره شد در هر تصویر صحیح تامی ناگزیر میباید مورد توجه مخصوص قرار داده شود و برخی مبادی فرعی هستند که رعایت آنها چندان ضرورت ندارد .

۳ - الفاظ ذیل :

تصویر، صورت، مثال، تمثال، نقاشی، نقش، رسم، رسام، شکل، عکس، عکاسی و مجسمه‌سازی تماماً از یک چیز حکایت میکنند و یک ما بازاء خارجی را نشان میدهند و اشاره بیک حقیقت عینی دارند با تغییرات مختلف، ولی هر یک از این عبارات بیک جهت آن حقیقت نظر دارد مثلاً در نقش یا نقاشی رنگ، لون و زیبایی مورد توجه و مقصود اصلی است ولی در تصویر یا صورت و مثال و تمثال همان شبح مقصود است. اعم از مجسم یا غیر مجسم. باقطع نظر از جهات رنگ و شکل و اضلاع اطراف و غیره، و گاه باشد که هر یک از این الفاظ را بجای دیگری استعمال کنند بدون رعایت خصوصیت، و تنها اراده جهت حکایت و شباهت از آنها مقصود است .

۴ - در باب تاریخ ایجاد فن تصویر و زمان اختراع آن هیچ قسم مدرك و سند صحیحی در دست نیست ولی معلوم است که از قدیم‌ترین زمانهای تمدن بشری شروع میشود و گمان نزدیک یقین بر این است که مبدأ نشواین صناعت با هنگام ظهور کتابت و نوشتن توأم بوده یا آنکه یکی از آندو منشاء اختراع و توجه بدیگری قرار داده شده است و ظن قوی همان است که انسانهای اولی، در ابتداء تمدن، اشیاء یا مقاصد خود را بوسیله رسم نمودن صورت و نقشهای مخصوصی در ذهن مخاطب حاضر میساختند و با

ترسیم اشیاء بیان مراد مینمودند و چنین حدس میرود که فن کتابت بمنظور تخفیف و سرعت و سهولت در عمل بوجود آمده، چنانکه الفاظ را شاید از همین راه وضع کرده باشند و اصل همان رسم و نقش بوده است، و چنانکه مبداء تاریخ صنعت تصویر مجهول و غیر قابل حل است تعیین اولین ملت مخترع و اولین مملکت که در آن فن تصویر بوجود آمده در نهایت درجه اشکال است. همین قدر میدانیم که در اقوام و ملل و ممالک قدیمه مانند ایران و مصر و چین و بلاد آشور این صنعت کاملاً مشهور و موجود و مشهور بوده است و شاید صورتهائی که در مقابر مصر و چین هنوز موجود است بیش از پنج هزار سال بر آنها گذشته باشد. گرچه مقصود قدما از ایجاد مجسمه ها و تماثلهای و تصاویر جنبه فنی را در نظر نداشته و غرض اصلی جز رموز دینی و یا لغزهای اخلاقی چیزی دیگر نبوده اما از تمامت آنها قدمت وجود این صنعت استفاده میشود.

۵ - ممکن است علت تحریم نقاشی و فلسفه ممنوعیت صنعت تصویر در دیانت

اسلام، امور ذیل مورد توجه قرار داده شده باشد :

اول - غلبه قوه و اهمه بر عاقله، زیرا قوه محاکات هر قدر قوی گردد و اهمه قوت یابد و هر اندازه و اهمه قوی گردد بهمان نسبت عاقله و متفکره ضعیف شود و چون قوه تفکر و تأمل نقصان یابد نتایج اوهام و خرافات عالم را فراگیرد و رفته رفته کلیه شئون عقلی از بین بر خاسته و اختلال نظام اجتماعی پدیدار شود و بالاخره رشته اجتماعیات گسیخته گردد چه بدیهی است در هر ملت که خرافات و اوهام بیشتر حکم فرما باشد بهمان اندازه حریت افکار را از دست داده و بالنتیجه نظام اجتماع آن ملت مختل گردیده و با زوال قومیت روبرو و با فناء استقلال دست گریبان گردد.

دوم - ممارست و مطالعه دقائق تصویر و ریزه کاری های صنعت نقاشی، انسان را از تدبیر و تفکر در اصل حقائق و تجسس احوال موجودات حقیقیه باز میدارد و پیوسته بواسطه اشتغال به تمثال و مثال از تأمل در مسائل باز میماند در صورتیکه اگر موجودات خارجی را مورد توجه قرار داده و مظاهر طبیعت را جولانگاه فکر سازد علاوه بر انکشافات علمی و اطلاع بر رموز خلقت بربك رابطه اصلیه و يك ماده اولیه که در جمیع اطوار حیات محفوظ است آگاه خواهد شد و مشاهده خواهد نمود که تمام عالم وجود را همان اصل محفوظ اولی تشکیل داده و در دارتحقق جز مظاهر و تحولات آن سنخ موجود نیست بطوری که از پست ترین درجات هستی و احط مراتب خود ترقی نموده و بطریق تحول ارتقاء یافته تا باعلی درجه حیات، علم، اراده، تعقل، عشق نائل گردیده و در آن هنگام میان معدن و نبات و حیوان در نظر این صاحب فکر امتیاز و فرقی باقی نمی ماند و آن وقت است که سر (ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت) بر این محقق متأمل آشکار گردد.

سوم - بدیهی است که شارع اسلام چه اندازه در قلع و قمع عقیده صنمیت و مذهب بت پرستی پافشاری نموده و از هر گونه قول و فعلی که منجر شود و یا مشعر باعتقاد

صنم پرستی باشد جلوگیری فرموده چون در شرایع و ادیان سابق عادت بر این جاری بوده است که صورت و تمثال ملائکه و شمائل انبیاء را در معابد و مساجد نصب میکردند تا بطریق آنها عبادت نمایند و گاه خود آنها را پرستش مینمودند چنانکه در سوره سبأ از حضرت سلیمان حکایت شده است که جنیان برای آن حضرت محرابها و تمائیل ساخته و صور و اشیائی آماده میکردند. (بعمولون له ما یشاء من محاریب و تمائیل و جفان کالجواب و قدور راسیات اءملوا آل داود شکر اوقلیل من عبادی الشکور) و بالجمله شارع اسلام برای جلوگیری از این عمل اصل تصویر را منع نموده تا منجر بضمنیت و یا بت پرستی نگردد و بهمین سبب عمل اصنام (صنم تراشی) و بت سازی اکیداً در مذهب مقدس اسلام مورد نهی و منع واقع شده است و شاید عقیده جماعتی از فقها که گویند نگاهداشتن صورت و تمثال در خانه حرام است برای همان علتی است که فوقاً اشاره شد زیرا حفظ مجسمه و تمثال یا صور ملائکه و مقدسین رفته رفته منجر بعقیده ارباب اصنام گردد و بالاخره خرافات و اوهام شرك، مقام عالی توحید را اشغال کند و بهمین جهت اگر تصاویر مورد احترام نباشند و بنظر اهمیت ملاحظه نشوند مباح و جائز خواهند بود چنانکه در بعضی احادیث بمضمون فوق اخباری وارد است که بعداً بیان خواهد شد.

چهارم - حکمت تحریم و تصویر پیکر نگاری همان حرمت تشبه بصانع و خالق عالم است زیرا بنده و مخلوق، خود را نباید شبیه به ولی و خالق و صانع خویش بسازد در اینکه صور حیوان و اعضاء و جوارح برای آنها قرار دهد زیرا اظهار انانیت در مقابل صانع کل عقلاً و شرعاً ممنوع و غیر جایز است فضلا از اینکه در مقام معارضه یا ادعای خالقیت و دعوی صانعیت بر آید.

حرمت و منع این جهت از آیات قرآنیه مستفاد میشود چنانچه در قصه ابراهیم در سوره بقره وارد است (قال ربی الذی یحیی و یمیت قال انا حی و امیت قال فان الله یأتی بالشمس من المشرق فأت بها من المغرب فبهت الذی کفر) این وجه را شیخ انصاری در کتاب متاجر از قول بعضی علماء نقل فرموده .

فصل دوم

نقل اقوال در باب حرمت تصویر

۶ - صور اشیاء ممکن است باقسام ذیل ترسیم شود :

- اول - صورت حیوان تام بطور مجسم و تمثال، مراد از مجسمه هر چیزی است که اگر نور یا ضوء بر او بتابد سایه و ظل پیدا کند .
- دوم - صورت حیوان ناقص بطور مجسم

سوم - صورت حیوان تام بطریق نقش و مجرد ترسیم .

چهارم - صورت حیوان ناقص بطریق نقش .

پنجم - صورت غیر حیوان بنحو مجسمه ولی تام و کامل

ششم - صورت غیر حیوان بنحو مجسمه ولی ناقص .

هفتم - صورت غیر حیوان بطریق نقش بدون تجسم ولی تام و کامل.

هشتم - صورت غیر حیوان بطریق نقش ولی ناقص .

تبصره - باید دانست که صور ملائکه و جنیان و شیاطین و شمائل انبیاء و صور دیگر از موجودات سافله و عالیه در این مقام جزو صور ذوات الروح (۱) اراده شده است و همچنین بعضی از فقهاء مجرد نقش بدون تصویر شی^۴ از اشیاء را نیز تصور نموده اند مانند نقوشی که بعنوان لغز دینی و اخلاقی ترسیم شود .

صور فوق در دیانت اسلام بر حسب عقیده فقها و اعظم دین بربك نسق و منوال نیست بلکه بعضی از آنها حرام و پاره ای مکروه و برخی جائز میباشد و ما در اینجا تفصیل خصوصی عقائد علماء امامیه و فقهاء شیعه اثناء شریعه را در ذیل مشروحاً بیان خواهیم نمود و جهت اختلاف و علت تفاوت نظر و عقائد فقهاء را نیز بطور اجمال اشاره خواهیم کرد .
قسم اول - از صور هشتمگانه فوق عبارتة اخیری تصویر صورت حیوان تام بطور مجسمه حرام و ممنوع و بعقیده تمام فقها عملی است ناروا، علاوه مورد اتفاق و محل اجماع علماء امامیه است .

قسم دوم - یا تصویر حیوان ناقص مجسمه سایه دار این قسم را اکثر از فقها جائز دانسته اند و جماعتی تفصیل (۲) قائل شده اند باین قسم که اگر مقدار ناتمام آن تصویر بمنزله تام و موجود فرض نشده باشد مباح و جائز خواهد بود و اگر بمنزله موجود فرض شده حرام و ممنوع است. مثلاً تصویر کبکی از بدن انسان هر گاه طوری ترسیم شود که حالت نشستن را حکایت نداشته باشد جایز خواهد بود ولی اگر طوری نموده شود که حالت يك انسان نشسته را بنماید حرام و ممنوع است .

قسم سوم - یا تصویر حیوان بطریق نقش و مجرد ترسیم، اکثر فقها از متقدمین مانند قاضی ابن البراج و تقی و از متأخرین مانند صاحب جواهر و سید در کتاب ریاض بجواز آن فتوی داده اند ولی جمعی از قدما مانند حلی و صاحب سرائر و عده ای از متأخرین مانند شهید در مسالك و ایضاح نافع و صاحب کفایة و مجمع البرهان بر حرمت و عدم جواز عقیده ورزیده اند .

قسم چهارم - یا تصویر حیوان ناقص بی سایه، نظیر قسم دوم باید تفصیل داد باین معنی که اگر حیوان ناقص بمنزله تام فرض شده جایز نیست و اگر حقیقتاً ناقص تصویر

(۱) و اما تصویر تخم مرغ و نطفه و علقه که مبدأ نشو حیوانیست ملحق به ترسیم صورت حیوان نخواهد بود .

(۲) مانند شیخ انصاری در کتاب متاجر خود .

شده است ممنوع نخواهد بود .

قسم پنجم - یا صورت غیر حیوان سایه دار را اکثر فقها جایز شمرده اند و داخل در عموم مجسمات ممنوعه پنداشته اند اما جمعی از علماء که تصویر حرام را مختص بخوان - اعم از مجسم و غیر مجسم - دانسته اند مطلق تصویر مجسم را منع نکرده اند .

اقسام دیگر از صور هشتگانه فوق تماماً محل اختلاف است مگر يك صورت که ظاهراً مورد نظر نباشد و کلیه فقها آن صورت را جایز و مباح میدانند و آن عبارت است از صورت غیر حیوان و بی سایه که از مجموع کلمات محققین، جواز ترسیم این قسم مستفاد میشود و بالجمله ممکن است اقوال فقهاء را در اقسام مذکوره بطور اختصار بشرح ذیل بیان نمود :

اول - قاضی ابن البراج و تقی الدین تمایل و تصاویر مجسم و غیر مجسم را محرم دانسته .

دوم - ابن ادریس تصویر صور حیوانی را اعم از سایه دار و بی سایه حرام پنداشته . سوم - ابوالصلاح تمایل را بدون اینکه مجسم یا غیر مجسم قید نماید ممنوع شمرده .

چهارم - شیخ مفید و شیخ طوسی و سلازمثال مجسم را غیر جایز و بقیه را مباح پنداشته .

پنجم - تصویر حرام را متأخرین از فقها غالباً اختصاص داده اند بصورت حیوان اعم از مجسم و غیر مجسم .

ششم - کلیه فقهاء در باب صورت ناقص اعم از حیوان و غیر حیوان سایه دار و بی سایه چنانکه از ظاهر کلمات ایشان مستفاد میشود تردید نموده و مابین خودشان اختلاف موجود است .

هفتم - تصویر بنا و قریبیم اشیائی که در خلقت عجیب نبوده و در طبیعت شکفت انگیز نباشند مانند تصویر نهر، شط، درختهای صاف و بلند، ابر، باران، طوفان، جبال، افق و غیره - اعم از مجسم و غیر مجسم - مباح و ظاهراً در نظر فقهاء جایز و بدون کراهت بشمار است .

در بیان سبب اختلاف فقها

۷ - موجب اختلاف فقهاء در باب منع و اجازه تصویر و ترسیم اختلاف نظر ایشان است در فهم اخباری که راجع بنقش و تصویر در کتب معتبره وارد و موجود است . پس ابتدا ناچاریم احادیث این قسمت را بیان نموده آنگاه نظر در استفاده حکم از هر يك از آنها بنمائیم .

در کتاب تجارت و مسائل الشیعه در باب تحریم عمل تصویر بطریق ذیل اخباری بیان شده است :

خبر اول - محمد بن يعقوب عن محمد بن يحيى عن احمد بن محمد عن علي بن حكم عن ابان بن عثمان عن ابي العباس عن ابي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل «يعملون له ما يشاء من محاريب و تماثيل فقل الله ما هي تماثيل الرجال و النساء و لكنها الشجر و شبهه».

حضرت صادق عليه السلام راجع به آیه مبارکه «يعملون له ما يشاء من محاريب و تماثيل» در حکایت قضیه حضرت سلیمان فرموده است : قسم بخدا که آن تصاویر و تماثيل زنان و مردان نبوده لکن تمثال درخت و نظیر آن بوده است. از این خبر استفاده میشود که در شریعت سلیمان علیه السلام تصویر حیوان اعم از سایه دار و بی سایه جایز نبوده است. پس نباید توهم نمود که حرمت تصویر حیوان و مجسمه سازی از مختصات اسلام و تنها در شریعت مقدس ختمی مرتبت ممنوع بوده و در سایر ملل اجازه داده شده است .
خبر دوم - احمد بن ابی عبد الله البرقی فی المحاسن عن علی بن حکم مثله و عن ابيه عن ابن ابی عمیر عن جمیل بن دراج عن زرارة عن ابی جعفر علیه السلام قال «لا بأس بتمثال الشجر» از حضرت ابی جعفر علیه السلام زرارہ نقل نمود که آن جناب فرموده است تمثال اقسام درختها ممنوع نیست و جایز میباشد .

خبر سوم - محمد بن الحسن باسناده عن الحسن بن محمد بن سماعه عن عبد الله بن جبهه عن علي بن ابي حمزة عن ابي بصير قال «قلت لابي عبد الله عليه السلام انا نبسطه عندنا الوسائد فيها التماثيل فقال لا بأس بما ينسط منها ويقترش و يوطا انما يكره منها ما نصب على الحائط وعلى السرير» ابی بصیر حضور حضرت صادق (ع) عرض میکند ما مخده ها می گذاریم و بساط و فرشهایی می گسترانیم که در آنها اقسام تمثال و نقش موجود است پس حضرت فرمود آنچه از بساط و فرش که پیشتر گسترانیده شود و قدم بر او گذارند جایز است و آنچه بر دیوارها نصب و بر تختها انداخته شود مکروه است. از این روایت استفاده میشود که علت تحریم نقاشی و اقسام تماثيل احترام و جنبه پرستشی است که ممکن است بالاخره در نتیجه احترامات فائقه منجر شود بروجبهی که اگر حیثیت احترامی نسبت باقسام نقش ملاحظه نشود. مثل اینکه پاروی آنها گذارده شود یا در مواضعی که جای احترام نیست گذارده شود. مباح و از نظر شرعی جایز خواهد بود چنانکه در فلسفه تحریم باین وجه اشاره شد .

خبر چهارم - عن ابيه عن حماد بن عيسى عن حريز عن محمد بن مسلم قال سئلت ابا عبد الله (ص) عن تماثيل الشجر والشمس والقمر فقال لا بأس ما لم يكن شيئا من الحيوان . محمد بن مسلم میگوید از جناب ابی عبد الله (ص) در باب تمثال درخت و خورشید و ماه سؤال نمودم پس فرمود هر چه تمثال حیوان نباشد حرام نخواهد بود. از این خبر حرمت خصوصی حیوان تام اعم از سایه دار و بی سایه مستفاد میشود، بنابراین تصویر سایر موجودات اعم از مجسم و غیر مجسم جائز خواهد بود .

خبر پنجم - وعنه عن جعفر بن ابراهيم ابن عبد الحميد عن ابي حمزه قال دخلت على علي بن الحسين (ع) وهو جالس على نمرقه فقال يا جارية هاتي النمرقه ابو حمزه گوید وارد شدم بر حضرت سجاد، یافتم آنحضرت را که بر فرشى مانند پتوهای امروزه موسوم به (نمرقه) جلوس فرموده پس آنحضرت امر داد برای من هم کنیزان نمرقه حاضر سازند. از این خبر معلوم میشود که بر فرش صورت دار که اقسام نقش در آن تصویر شده میتوان نشست و میتوان آنها را استعمال نمود و خرید و فروش آنها جائز است زیرا از امام فعل مکروه سر نمیزند.

خبر ششم - محمد بن علی بن الحسین باسناده عن شعيب بن واقد عن الحسين بن زيد عن الصادق (ع) عن آباءه فی حدیث المناهی قال نهی رسول الله (ص) عن التصاوير وقال من صور صورة كلفه الله تعالى يوم القيمة أن ينفخ فيها و ليس بنافخ و نهی ان يحرق شیء من الحيوان بالنار و نهی عن التختيم بخاتم صفر او حديد و نهی ان ينقش شیء من الحيوان علی الخاتم. حسین بن زید از حضرت صادق نقل نموده که آن جناب از پدران گرام خود حدیث فرموده که حضرت رسول (ص) در ضمن اشیائی که منع و قدغن میفرمود صریحاً از تصویر و نقش نهی کرد و چنین گفت: هر کس صورتی تصویر نماید پروردگار در روز رستاخیز بدو امر کند که در آن صورت نفخه دمیده تا زنده شود و جزء موجودات حیه قرار گیرد و آن شخص نتواند از عهده انجام این وظیفه و تکلیف خداوندی بر آید و نیز نهی فرمود از سوزانیدن حیوانات و اجزاء و اعضاء آنها و همچنین منع کرد که مردم انگشتر آهن و روی و سرب دست نمایند. همچنین قدغن نمود که بر انگشتر حیوانی نقش شود.

خبر هفتم - وفي الخصال عن ابيه عن عبد الله بن جعفر الحميري عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن الحسن الميثمي عن هشام بن احمد و عبد الله بن ملكان جميعاً عن محمد بن مروان عن ابي عبد الله (ع) قال سمعته يقول ثلاثة يعذبون يوم القيمة: من صور صورة من الحيوان يعذب حتى ينفخ فيها و ليس بنافخ فيها، و المكذب في منامه يعذب حتى يعقد بين شعرين و ليس بعاقد بينهما، و المستمع الى حديث قوم وهم له كارهون يصب في اذنه الا نك وهو الاسرب. محمد بن مروان از ابي عبد الله (ع) نقل نمود که از آن جناب شنیدم که سه طائفه در روز باز پسین بعذاب خداوندی معذب شوند: اول کسی که تصویر صورت حیوان ایجاد نماید پس عذاب کنند او را تا در آن صورت نفخ دمیده و بدو حیات دهد در صورتیکه نمی تواند این عمل را انجام داده و آن صورت را زنده سازد. دوم کسی که بدروغ خواب جعل کند و یا در خواب خود دروغی اضافه نماید آنقدر عذاب بر او وارد شود تا میان دو مو گره زند و هرگز چنین گره زدنی را قادر نخواهد بود. سوم کسیکه گفتگوی ما بین دو نفر را استماع نماید در صورتیکه آن دو نفر نمیخواهند آن شخص بسخن ایشان مطلع شود، خداوند در گوشهای این مستمع (انك) سرب داغ کرده خواهد ریخت.

خبر هشتم - عبدالله بن جعفر فی قرب الاسناد عن عبدالله بن الحسن عن جده علی بن جعفر عن اخیه موسی بن جعفر (ص) قال سألت عن التماثل هل یصلح ان یلعب بها؟ قال لا . علی بن جعفر از برادر بزرگوارش موسی بن جعفر نقل نمود که از آنجناب سؤال کردم با تمثال و اقسام آن میشود لعب و بازی نموده و خود را بوسیله آنها سرگرم کرد؟ فرمود خوب نیست ممکن است در این خبر عدم صلاحیت از جهت حرمت لعب و لهو باشد نه از جهت تصویر و تمثال .

خبر نهم - در باب لباس نمازگزار از همان وسائل الشیعه و کتاب وافی ملامحسن فیض کاشانی چنین وارد شده است (یه) نهاییه سأل ابن بزیع ابالحسن الرضا (ع) عن الثوب المعلم نكرة ما فيه من التماثل . ابن بزیع از حضرت رضا (ع) سؤال نموده است که پوشش لباس راه راه (معلم) چه حکم دارد پس آنجناب مکروه شمرد لباسی که در آن تماثل موجود باشد. صاحب وافی عقیده دارند که تماثل در این روایت اختصاص دارد بصور ذوی الحیوة، زیرا تصویر محرم و ممنوع را همان تمثال حیوانی میدانند استعمال همان تصاویر حیوان را مکروه می شمارد و این خود یکی از عقائدی است که جمعی از علماء شیعه بآن قائل شده اند و گویند تصویر حرام مخصوص است به ذوی الحیوة .

خبر دهم - (یب) در کتاب تهذیب چنین روایت نقل نموده است : علی بن مهزیار عن فضاله عن حماد بن عثمان عن ابي عبدالله (ع) قال سألت عن الدراهم السود التي فيها التماثل ایصلي الرجل وهي معه؟ فقال لا بأس اذا كانت مواراة . حماد بن عثمان از حضرت ابي عبدالله (ص) سؤال میکند که ممکن است نماز خواند در صورتیکه انسان پولهایی که در آنها تمثال موجود است همراه داشته باشد؟ پس آن حضرت فرمود اگر آن سکه ها بصورت تماثل و بر جسته باشد در میان لباس مخفی باشد ضرر ندارد و اگر پنهان نبوده و آشکار است خالی از کراهت یا حرمت نیست .

خبر یازدهم - در اغلب کتب، خبری مطلق نقل شده است بدینقسم؛ نهی عن تزویق البیوت، قلت وما تزویق البیوت؟ قال تصاویر التماثل . راوی میگوید از تزویق خانه ها امام نهی فرمود پس گفتم مقصود از تزویق بیوت چیست؟ فرمود مراد، ساختن تمثال و تصویر است بر در و دیوار .

خبر دوازدهم - در حدیث تحف العقول وارد شده است که انواع تصویر مباح و جائز است مگر آنکه مثال روحانی باشد و شاید مقصود از مثال روحانی همان تصویر حیوانی است. باید دانست که بقیة اخبار وارده در باب تصویر و نقش که در ضمن احادیث دیگر در کتب معتبره منتشر و بما رسیده است تقریباً با روایات فوق بیک مضمون است و فرق زیادی از جهت تعبیر مابین آنها موجود نیست . پس از تأمل و مطالعه در این اخبار بخوبی مشهود و معلوم میشود که کلیه آنها برای بیان يك موضوع و حکم يك

قسم تصویر وارد نکرده بلکه اختلاف السنه و امتیاز تعبیرات گوناگون آنها نظر
بتفاوتی است که در حکم واقعی انحاء تصویر و اقسام مجسمه و اصناف نقش واقع
و متحقق است و همین تفاوت تعبیرات اخبار با در نظر گرفتن فلسفه‌های حرمت تصویر
که سابقاً با آنها اشاره رفت موجب اختلاف نظر علماء امامیه گردیده و بواسطه ترجیح
بعضی از آنها بر بعضی دیگر یا عدم ترجیح بین آن تعبیرات و یا عدم اعتماد بر صحت
اسناد پاره‌ای از آن اخبار، علماء بچندین طائفه منقسم شده‌اند بطریق ذیل :

اول- جمعی از محققین ما بین اخبار نتوانسته‌اند مزیت و قوت یکی از تعبیرات را
بر سایر السنه گوناگون روایات ترجیح دهند ناچار شدند که موضوع حرمت تصویر را
مجمع عناوین قرار دهند باین معنی که گویند تصویر حرام و نقش ممنوع آنست
که کلیه تعبیرات اخبار بر آن صادق آید و بزبان و اصطلاح علمی موضوع حرمت را
اخص المضامین یا قدر متیقن السنه اخبار قرار داده‌اند و آن عبارت است از تصویر صورت
حیوانی (مجسمه) سایه دار تام.

دوم - عده دیگر از فقها لفظ نقش و تعبیر مثال روحانی را بر سایر تعبیرات
ترجیح داده و ظهور آن دو کلمه را در تصویر صورت حیوانی اعم از مجسم و غیر مجسم
ادعا نموده‌اند و بنا بر این نزد این دسته از علماء موضوع حرمت و آنچه که ممنوع است
خصوص صورت حیوانی است چه سایه دار و چه بی سایه، پس ترسیم صورت آفتاب ،
ماه، درخت، هیوه، ظروف، عمارات، شطوط، نهرها، جبال و امثال آنها را جائز شمرده‌اند.
سوم - قومی دیگر از علماء لفظ نقش و کلمه تصویر را ترجیح داده‌اند با این
تفاوت که نقش و مثال تنها اختصاص دارد بهمان ترسیم مجرد بدون تجسم، بنا بر این
مجسمه غیر حیوانی را نیز ممنوع ندانسته‌اند.

چهارم - طائفه دیگری از علماء معتقدند که جمله (امران ینفخ فیه ولیس ینفخ)
که در بعضی از اخبار فوق وارد است ظهور دارد در اینکه باید تصویر مجسم باشد تا
بتوان بتوسط دمیدن روح آنرا زنده ساخت و از این رو مدعی شدند که موضوع حرمت
خصوص تصویر مجسم است نه مجرد نقش.

تبصره - عقائدی که فوقاً اشاره شد نسبت بتصویر تام کامل بود اما در باب ترسیم
صورت ناقص آراء محققین از علماء شیعه نیز مختلف گردیده و منشاء اختلاف ادعاء
آنهاست که الفاظ ظهور دارند در معانی تامه و کامله. باین معنی که واضع لفظ انسان،
حیوان، آفتاب، ماه، درخت و نظائر آنها را بحسب وضع اولی برای تمام و کامل این اشیاء
وضع نموده و اگر گاهی در ناقص و ناتمام استعمال شوند ناچار باید يك معنی مجازی
از آنها اراده شده باشد و علاقه مجوزه این گونه مجاز تنزیل معدوم است بمنزله موجود
یا علاقه جزء و کل و امثال آنها و بالجمله بنا بر این ادعاء تصویر ناقص مشمول عناوین
وارد در اخبار نخواهد بود و روایات از تصویر ناقص ساکت هستند و بمقتضای اصل

اولی که اباحه در اشیاء است جائز و غیر ممنوع خواهد بود مگر آنکه صورت منقوشه طوری ترسیم شود که از يك وجود تامی حکایت کنند مانند انسانی که بحالت جلوس تصویر شود یا مثلاً انسانی بی سر را طوری رسم کند مثل آنکه سر خود را در محلی پنهان کرده باشد و یا آنکه گفته شود تصویر ناقص نیز مشمول عناوین احادیث می باشد، ولو از باب جواز استعمال لفظ در تام و ناقص یا معنی حقیقی و مجازی، و نباید توهم نمود که در اخبار بسیاری وارد است رجحان تغییر صور و تبدیل هیئت آنها باین که چشم‌ها یا سرهایشانرا بکنند. از این اخبار نمیشود استفاده نمود که تصویر صور ناقصه جایز و مباح است زیرا رابطه عقلی و ملازمه عرفی موجود نیست مابین جواز ابقاء صورت و مباح بودن تصویر ابتدائی، چه ممکن است تصویر صورت ناقصه ابتداء حرام باشد و معذک هرگاه شخصی اقدام بتصویر صورت ناقصه نمود ابقاء آن صورت جایز باشد بلکه در تصویر صورت تام نیز همین عقیده مابین علماء معروف باین که تصویر ابتدائی را ممنوع می دانند ولی باقی گذاردن آن را جایز و مباح شمرده اند و عده ای از علماء در باب تصویر ناقص عرف را مرجع قرار داده اند باین معنی که اگر تصویر ناتمام طوری باشد که در عرف عامه اطلاق صورت تمام بر آن بشود یا مورد نقص از اعضاء و اجزاء غیر قابل اعتناء نباشد چنین تصویری حرام است و در غیر این صورت جایز خواهد بود. شیخ انصاری این تفصیل را در متاجر خود نقل و اختیار فرموده.

عقیده نگارنده

السنة و تعبیرات روایات از سه کلمه نقش و صورت و تمثال بیرون نیست، اما در باب لفظ نقش اظهار جمیل و فقرات همان است که در حدیث مناهی وارد شده (نهی ان ینقش شیءاً من الحيوان فی الخاتم) این جمله از جهت آنکه عموم دارد مجسم و غیر مجسم را اظهار فقراتی است که ممکن است برای تعمیم بغیر مجسم و مجرد ترسیم مورد استدلال قرار داده شود، ولی سند این روایت خالی از مناقشه نیست زیرا صدوق علیه الرحمه حدیث مذکور را بواسطه شعیب بن واقد نقل نموده چنانکه در وسائل نیز بتوسط ابن واقد منقول است و از خارج میدانیم که ابن واقد مجهول بوده و اعتماد به روایت او صحیح نیست، بعلاوه دلالت حدیث مناهی بر حرمت ترسیم مجرد تمام نیست زیرا از سیاق روایت بیش از کراهت استفاده نشود چه آنکه فقرات سابق بر جمله فوق باجماع علماء مفید کراهت میباشند مانند (نهی عن التختم بخاتم صفر او حدید) نهی از انگشتر آهن و غیره که میدانیم مکروه است و بهیچ وجه قائل بحرمت سراغ نداریم و بالجمله خبری که ظهور داشته باشد در مجرد نقش و ترسیم اعم از مجسم و غیر مجسم و در عین حال سندش قابل اعتماد و مورد اتکال عمل اصحاب بوده باشد در دست نیست، پس مجرد نقش باقی خواهد بود در تحت اصالت الجواز و دلیل بر منع آن نداریم.

اما کلمه صورت (۱) و تمثال بطور یقین ظهور دارند در خصوص مجسم و شامل مجرد نقش بدون جسمیت نخواهند بود بالخصوص اگر در مقابل کلمه نقش استعمال بشوند. این دو کلمه هم بواسطه لفظ نفخ علاوه بر ظهور در جسمیت ظاهرند در خصوص صورت حیوان، زیرا حدیث (امران ینفخ فیها ولیس ینفخ) ظهور دارد از اینکه تصویر بواسطه نفخ یکی از حیوانات متعارفه شود و بدیهی است که غیر صورت حیوان مجسم را نمیتوان بوسیله نفخ و دمش یکی از اقسام حیوانات معروف ساخت، بنابراین قرینه معلوم میشود که کلمه صورت و تمثال هم مخصوص است بتصویر حیوان در صورتی که مجسم باشد باضافه اخبار (من صور صورۃ کلفه الله ان ینفخ فیها... الی آخره) خالی از ضعف سند هم نیست. پس باقی نیمه‌اند در ضمن اخبار ناهیه مگر تصویر صورت حیوان مجسم. بعلاوه اخباری بما رسیده است که از جهت دلالت اختصاص دارد بخصوص مجسم مثل حدیث علی عایه السلام (امرئی رسول الله (ص) بکسر الصور) و بالتبیین پس از حمل مطلقات روایات بر مقیدات و انجبار ضعف اسناد آنها بعمل اصحاب امامیه، موضوع حرمت جز تصویر صورت حیوان مجسم امر دیگری نخواهد بود و این همان است که مورد اجماع بر حرمت بوده و موافق است با رأی جمعی از علماء که عقیده داشتند باید اخس المضامین را موضوع حرمت قرار داد و میتوان در این زمینه علاوه نمود که تصویر صورت غیر مجسم در روایات موضوع دو حکم مختلف واقع گردیده: اول حرمت و منع، دوم جواز و اباحه؛ و میدانیم بحسب قواعد جمع ما بین روایات متعارضه در چنین موردی دو حکم را باید بر کراهت حمل نمود باین نحو که نص هر یک را قرینه تصرف در ظاهر دیگری قرار داد و یا ظاهر هر یک را به نص دیگری تنقید نمود و چنین نتیجه گرفت که صورت غیر مجسم و مجرد نقش، حرام و ممنوع نیست.

فصل سوم

در بقیه احکام تصویر

تصویر در اسلام از جهاتی موضوع احکام و مورد نظر علماء عظام واقع گردیده

(۱) اکثر فقها عقیده دارند که صورت و تمثال و مثال اختصاص دارد بمجسم و فرق میان آنها آنست که صورت، مخصوص حیوان است و مثال و تمثال اعم از آن ولی جمع دیگر از علماء فرق مزبور را قائل نیستند و بر هر تقدیر مشهور محققین گویند از کلمه صورت و مثال و تمثال در احادیث، خصوصاً حیوان مجسم اراده شده است چنانکه مجلسی در بحار الانوار این مطلب را از فقها نقل نموده و فرموده است که ارباب لغت نیز بدین مضمون جمعی تصریح کرده‌اند مانند مطرزی که گوید هر گاه گفته شود تمثال درخت و ماه و غیره قولی است مجازی زیرا تمثال مخصوص است بذوات الارواح.

و آنچه را تا کنون مورد گفتگو قرار دادیم حکم ایجاد ابتدائی تصویر و انشاء عمل نقاشی و اصل صنعت مجسمه سازی بود و اکنون بطور اختصار به بیان جهات دیگر آن می پردازیم:

۱- هر گاه نقاش مشغول ایجاد تصویر حرامی بشود اگرچه آن صورت را هم نائمام گذارد بعقیده علماء مرتکب حرام گردیده، چه این عمل یا ذاتاً ممنوع است و یا بواسطه عنوان تجری و هتک امر شارع موضوع حرمت واقع خواهد شد و بعقیده نگارنده قسم دوم ارجح است.

۲- آنچه از صور یا مجسمه ها و پرده ها و مجالس معموله مابین ارباب صنعت تصویر- که ایجاد ابتدائی آنها ممنوع و حرام- است پس از ایجاد و پیدایش، نگاهداری و حفظ هر یک مباح و جایز است و ازین بردن و محو نمودن آنها لازم نیست.

مقدس اردبیلی در «شرح ارشاد» تصریح بجواز اقتناء نموده (صاحب جواهر باردبیلی نسبت عدم جواز داده وصحت آن معلوم نیست) و معتقد است که حکم مذکور از مجموع اخبار و اقوال علماء امامیه مستفاد است.

محقق ثانی در جامع المقاصد می گوید دلیلی بر حرمت حفظ صور محرمه در دست نیست بنابراین اقتناء صور در عموم ادله جواز داخل است بر جواز حفظ و نگاهداری صور تفریح و مترتب ساخته است حکم سوم که ذیلا شرح آن خواهد آمد.

۳- خرید و فروش صور و مجسمات و پرده های معمولی از نقطه نظر شرعی مابین فقها مورد اختلاف نظر واقع گردیده جمعی آنرا جایز و مباح شمرده اند مانند محقق ثانی در جامع المقاصد و اکثر متأخرین و عده از قدام نظیر شیخ در مقنعه و نهایه و صاحب سرائر بیع و اکتیاف آنها را ممنوع و محرم دانسته اند مانند آلات لهو، قمار، نرد، شطرنج، ظروف طلا و نقره، بلکه از کلمات بعضی فقها ظاهر میشود که نظر در آنها همچنین نظر در صورتی که از زنان در مرآت منطبع شوند جایز نیست و بالجمله طرفین نزاع برای حرمت و جواز معامله ادله ای اقامه فرموده اند که خالی از اشکال نیست و عقیده نگارنده موافق است با رأی مشهور متأخرین که نظر حفظ بیع و شری و سایر تصرفات در آنها را مباح و غیر ممنوع میداند، بلی جمع مابین اخباری که طرفین استدلال نموده اند اقتضاء دارد قول بکراهت را، و باکی نیست که چند خبر از هر دو دسته نقل نمائیم.

دسته اول یا احادیثی که دلالت بر جواز حفظ و عدم لزوم محو صور دارند عبارتند: اول- (صحیحة حلبی عن ابی عبدالله (ص) ربا قمت اصلی و بین یدی الوسادة فیها تمایل طیر، فجعلت علیها ثوباً) حلبی از ابی عبدالله نقل می کند که با آنجناب عرض